

ملاحظات، در نامه اعلیحضرت

به سران کشورهای ۱+۵

امیر فیض - حقوقدان

چند هفته قبل یک پیامی خطاب به شاهزاده رضا پهلوی انتشار یافته بود که میگفت: چرا شاهزاده درباره مذاکرات هسته ای مطلبی نمیگویند؟ بعد از آن در یک برنامه تلویزیونی بمدریت آقای فرامرز فروزنده ایشان از شورای اعلیحضرت گله داشتند که چرا کار عملی انجام نمیدهند و فقط گاهی بیانیه میدهند.

ظاهرا توجهات مزبور سبب گردید که اعلیحضرت در مقام رئیس شورای تجزیه طلبان نامه سرگشاده ای بتاريخ سی ام آپریل سال جاری به سران کشورهای ۱+۵ ارسال دارند که بخشهایی از نامه مزبور خوراک این تحریر است.

نامه مزبور برخلاف ظاهر که نشانی از ندانمکاری و عدم اهلیت شورا بنظر میرسد، در باطن پوششی است جهت حمایت و ایجاد حقانیت برای اقدامات آمریکا نسبت به حقوق سیاسی ملت ایران، و همچنین اگر بظاهر، گرچه نامه مزبور عکس العمل سکوت رئیس شورا به مسئله مذاکرات اتمی بنظر میآید، ولی در واقع کمک به جریان مجلس سنای آمریکا و مصوبه رد یا قبول موافقت نهایی بین ۱+۵ و ایران است.

بنابراین این تحریر متضمن دو قسمت است قسمت ظاهر و یا منطوق نامه، و قسمت باطن و یا مفهوم سیاسی آن

ظاهر یا منطوق نامه

اعتبار نامه مزبور و اهلیت شورا

چنانکه ذیل نامه مزبور نشان میدهد - نامه منتسب به شورای ملی ایران برای برگزاری انتخابات آزاد است - که بوسیله رئیس آن رضا پهلوی امضا و ارسال شده است. (نامه در پایان این نگارش نشان داده شده است).

نامه مزبور به دلیلی که ملاحظه خواهید کرد فاقد اعتبار است.

هر کس هر کار و عملی انجام میدهد باید منتفع از حقی باشد که قانون برای او قائل شده است که این را میگویند اهلیت تمتع .

شخصیت های طبیعی (افراد) حق تمتعی وسیع دارند ولی شخصیت های حقوقی مانند شرکتها و همین شورای اعلیحضرت اهلیت و صلاحیتشان برای مداخله در امور و فعالیت ها محدود به موضوع شخصیت حقوقی است که در اساسنامه آن شخصیت درج و در کشور متبوع شخصیت به ثبت رسیده است.

معمولا هدف اولیه و مهم آن شخصیت حقوقی نام و عنوان آن موسسه قرار میگیرد مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل، ویا آژانس بین المللی اتمی، که نه شورای حقوق بشر سازمان ملل در کارهای اتمی دخالت میکند و نه آژانس در کارهای حقوق بشری.

مولوی بیٹی دارد که بیان کننده موضوع است:

هر کسی را بهر کاری ساختند میل آنرا دردلش انداختند

شخصیت های حقوقی اقداماتشان در خارج از موضوع و هدف شخصیت بی اعتبار است و مولود آثاری برای شخصیت حقوقی نمیشود و در برخی از کشورها باشکایت افراد، سبب تعقیب مسئولین آن شخصیت حقوقی هم میشود؛ زیرا در برخی حالات از موارد کلاهبرداری شناخته میگردد.

دراهم اثبات آنچه عرض شد

در مناقصه مثلا؛ راه سازی که از شرکتهای مقاطعه کاران دعوت میشود، ملاک دعوت و حضور و مشارکت در مناقصه، اهلیت شرکت است یعنی موضوع شرکت باید راه سازی و توابع آن باشد. اهلیت مانند صلاحیت است که نشانگر دانش کار، تجربه، سابقه، لیاقت است؛ در یک مناقصه راه سازی یک شرکت لباس دوزی حق شرکت ندارد و اگر هم شرکت کند به پیشنهاد او توجهی نمیشود و اساسا سبب اعتراض شرکت های راه سازی خواهد شد.

شاهد مقصود

همین امروز خبرگزاریهای جهان خبر دادند که سخنگوی انجمن تبتیان در لندن از جامعه جهانی خواست تا برای اطلاع از محل نگهداری <گدندوچکی> یک شخصیت مذهبی تبت به دولت در تبعید تبت کمک کنند.

ملاحظه میفرمائید که انجمن تبتیان که دارای دولت در تبعید و حافظ حقوق اهالی تبت خود را معرفی کرده است از جامعه جهانی برای اطلاع از وضع یکی از اتباع تبت درخواست همراهی کرده است.

این نمونه ای از رابطه معقول اهلیت شخصیت حقوقی با درخواست است و اگر انجمن مزبور مثلا خواستار بازگرداندن جزیره تایوان به چین میشد درخواستش دخالت در خارج از اهلیت انجمن تلقی و مورد توجه جامعه جهانی و خبرگزاریها قرار نمیگرفت.

هدف و موضوع شورای اعلیحضرت

هدف و موضوع و سابقه فعالیت شورای اعلیحضرت منحصر متوجه دو امر مهم و برخی حواشی است آن دو امر مهم که در تحریرات سابق هم به آن اشاره شده؛ یکی زمینه سازی برای تجزیه کشوراست که مقدمات آن در کمال تاسف با وضع کاملا بیسابقه ای شجاعانه و متهورانه و عالمانه از نظر فراهم کردن مقدمات و ایجاد اعتبار (ادعای ۲۰ هزار امضا به ضمیمه امضای خانواده سلطنتی ایران) انجام گرفته و دومی تلاش و کوشش برای رعایت آزادی انتخابات (آزاد) کشوراست، که شاید بتوان گفت همان هیبت شورای تجزیه طلبان و ارسال نامه به رهبر! جمهوری اسلامی سبب گردید که انتخابات ریاست جمهوری

تا حدودی آزاد تر از گذشته شد و همان هیبت شورای تجزیه طلبان که فضای وحشت را بر جمهوری اسلامی مستولی ساخته! هدف شورا را در انتخابات آتی نرم نرمک تامین خواهد کرد.

هیبت شورای تجزیه طلبان

هیبت، چیز کم اهمیتی نیست نام رضا پیرزاده و نازیلا گلستان (لیلا زمانی) برای جمهوری اسلامی تحمل کردنی نیست؛ فردوسی هم از اهمیت نام و هیبت آن غافل نبوده و گفته است.

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

اگر فردوسی در این زمان بود بیٹی هم در وحشت جمهوری اسلامی از نام نازیلا گلستان (لیلا زمانی) میسرود!

گرچه آقای شهرام همایون گفت: «من خیال میکردم که این دونفر (پیرزاده و نازیلا گلستان) دیو دوسر هستند ولی بعد که آمدند و دیدم (چه بچه های تروتمیز خوبی هستند)، ولی تاثیر هیبت نسبی است.

اساسا همانطور که اعلیحضرت فرموده اند: >بهترین راه این است که صبر کنیم تا رژیم خودش بدست خودش، خودش را از بین ببرد<، رعایت سیاست مزبور در کنار ترس و وحشت جمهوری اسلامی از شورای تجزیه طلبان و خاصه خانم نازیلا که تعبیر به صبر است، از غوره حلوی آزادی انتخابات را فراهم خواهد ساخت!

واما بعد

بهر حال کاملا روشن و صادق است که مسائل هسته ای و نیاز ایران به آن و یا عدم نیاز، در اهداف شورای اعلیحضرت پیش بینی نشده است (موافقت با پروتکل عدم گسترش سلاحهای هسته ای در اساسنامه شورا به معنای عدم نیاز به انرژی هسته ای شناخته نمیشود) و این عدم پیش بینی بدان معناست که شورا از خودش سلب اهلیت کرده است و بالطبع موضوعی که هدف شورانگیز است، در آن سرمایه گذاری و صرف وقت هم برای تحصیل تجربه و آگاهی نمیشود. بنابراین دخالت در مسئله انرژی هسته ای از حد و حدود شورای تجزیه طلبان خارج است؛ هم به اعتبار اهلیت شورا و هم منافع ملی تا هر بی سروبی پای ناوردی در حقوق مردم و ملت دخالت نکند.

دزد ناشی به گاهدان میزند

از آنجا که مسئله انرژی اتمی و جریان قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و همچنین

مذاکرات ۱+۵ و ایران در مسیر هدف شورا نیست لذا بطور طبیعی شورا با آن بیگانه است، و

اگر هم نباشد در آن، درگیر و مقید نیست. وقتی در آن جریان دخالت میکند بعلت نا آگاهی بوده و همانند همان دزد ناشی است که بگاهدان میزند.

توضیح لازم - تا آنجا که بیاد دارم اعلیحضرت، یکبار در مصاحبه با آقای دهقانپور و یکبار هم در برنامه آقای شهرام همایون مشتاقانه مایل بودند که نظر خودشان را راجع به بی نیازی ایران به انرژی هسته ای بیان کنند و حتی بخاطر دارم که فرمودند: «میخواهید علتش را توضیح دهم» ولی مصاحبه کننده فرصت نداد؛ تا اعلیحضرت بیان علت بفرمایند ولی اکنون در نامه مزبور آن نیاز روحیشان تامین شده.

باید دانست که آن ماجرا ناشی از اهلیت تمتع شخص رضایپهلوی بود که محدود نبوده و نیست؛ مانند هر فرد دیگری. ولی در مورد نامه به سران کشورها در رابطه با مسائل هسته ای، در مقام ریاست شورای ملی که یک شخصیت حقوقی و واجد اهلیت محدود و مشخص یعنی انتخابات آزاد و تجزیه ایران هستند نامه را امضا کرده اند نه بعنوان یک فرد آزاد و با استفاده از اهلیت تمتع خود.

دخالت در خواست ملت ایران

اگر شورای تجزیه طلبان در باب علاقه و خواست مردم ایران نسبت به اصطلاح انتخابات آزاد اظهار نظر کند از آنجا که آن اظهار نظر در صلاحیت و اهلیت شورا قرار داده شده، صرف نظر از درست و یا نادرست بودن اظهار نظر، میتوان آنرا از فرآورده های اهلیت شورا دانست؛ ولی اظهار نظر شورا نسبت به موضوعی مانند انرژی اتمی **آنهم از طرف ملت ایران** بشرحی که در نامه رئیس شورا آمده بعلمت آنکه خارج از اهلیت شورا است، عمل لغو و بی اعتباری است **خاصه که نظرسنجی های انجام شده در اختیار شورای تجزیه طلبان بوده، معهدا به این ادعای بی سند و نظری خارج از حد خود متوسل شده است.**

نظرسنجی ها

۱- در سال گذشته (۱۵ آبان سال ۹۳) یک نظرسنجی بوسیله موسسه آمریکائی گالوب که معروفیت جهانی در نظرسنجی دارد از ایرانیان بعمل آمد که نتیجه آن چنین انتشار یافت:

۶۳٪ از پاسخ دهندگان بر این باور بوده اند که با وجود دامنه تحریم ها، ایران باید به گسترش و توسعه تواناییهای قدرت هسته ای خود ادامه دهد. همچنین ۴۷ درصد ایرانیان بر این باورند که آمریکا مسئول مستقیم تحریم ها علیه ایران است؛ و در این نظرخواهی فقط ۱۷ درصد مخالف تداوم برنامه صلح آمیز هسته ای کشور بوده اند.

موسسه گالوب در سال ۱۹۳۵ تشکیل شده و تاکنون در بیش از ۱۵۰ کشور نظرسنجی انجام داده، نظر سنجی های گالوب با اعتبار عمومی روبروست و در انتخابات ریاست جمهوری سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۸۴ تنها نظرسنجی های گالوب با متوسط ۳ درصد خطا روبرو شده است.

۲- در مهرماه سال ۹۳ دانشگاه مریلند با همکاری دانشگاه تهران در یک نظرسنجی به این نتیجه قابل اعلام رسیده اند که ۹۴ درصد از مردم ایران استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را برای ایران لازم دانسته اند و ۷۵ درصد گفته اند که پذیرش هرگونه محدودیت در فعالیت های علمی و پژوهشی هسته ای کشور غیر قابل قبول است.

(فراموش نکنیم که در مورد فشار تحریم ها به مردم ایران آمریکائیا گفتند (ما برنامه تحریم هارا با نظرو موافقت مخالفین جمهوری اسلامی در خارج از کشور پیاده کردیم).

عدم رابطه بین انرژی هسته ای با طرفداری از جمهوری اسلامی

باید فرق گذاشت بین خواست مردم در داشتن انرژی اتمی با مخالفت آنها با جمهوری اسلامی؛ اگر مردم ایران در نظرسنجی نظر مساعد به داشتن انرژی هسته ای دارند همین مردم در نظرخواهی نسبت به جمهوری اسلامی نظر مخالف دارند.

رفسنجانی بود که گفت ۹۰ درصد مردم ایران مخالف ما هستند و مهم راضی نگهداشتن همان ۱۰ درصد است.

دکتر! مهدی حزعلی یک نظرسنجی محاسبه شده انجام داد و آن چنین بود که از آنانی که در ۱۲ فروردین سال ۵۸ (رفراندم سال ۵۸) نبودند و یا سن آنها برای رای دادن کافی نبود همان سوال جمهوری اسلامی آری یا نه مطرح کرد؛ نتیجه آن شد که ۹۶/۷ درصد کسانی که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند جواب نه دادند و ۳/۳ درصد جواب آری. (کیهان ۲۵۲ لندن)

هلمز سفیر سابق آمریکا در سال ۶۰ گفت فقط ۷ درصد مردم ایران طرفدار جمهوری اسلامی هستند ولی این ۷ درصد حاضر به فداکاری هستند و اکثریت که مخالف جمهوری اسلامی هستند، حاضر به همکاری نیستند. (کیهان لندن)

در خواست های ناموجه از سران کشور های ۱+۵

امر طبیعی است که وقتی انسان در حرکت و کاری سابقه و تجربه و فاقد اهلیت در آن کار باشد درخواست هایش هم متناسب با همان فقدان آگاهی و تجربه و شرائط روز موضوع خواهد بود و به اصلاح درخواست هایش (پرت و پلاست).

باتفاق به ملاحظه در خواست های شورا میرویم

★ مضحک ترین خواست شورای اعلیحضرت که در ردیف یکم درخواستهای از روسای جمهوری کشورهای چین و روسیه و آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان شده این است.

حزیم جمهوری اسلامی میبایست اجازه دهد که موسسه های نظرسنجی جهانی و رسانه های بین المللی بدون قید و شرطی به مردم ایران دسترسی داشته باشند تا بتوانند به نظر سنجی واقعی و تهیه گزارش بدون سانسور بپردازند.

زمانی که قطعنامه مجلس سنای آمریکا منتشر شد که در آن آمده است: <آمریکائی های زندانی شده در ایران باید قبل از امضای راه حل جامع از سوی جمهوری اسلامی آزاد و در آمریکا باشند> پیش خودم فکر کردم آیا یک تن آدم فهمیده در سنای آمریکا نبود نیست که بداند مسئله قطعنامه های شورای امنیت که اکنون مورد مذاکره بین ۱+۵ و ایران است موضوعا ارتباطی به مسائل دیگر از جمله زندانیان آمریکائی ندارد و به اصطلاح (فلان به شقیقه چکار دارد).

ولی حقیقت آن است که سناتورهای آمریکایی کاملاً این اختلاط نامعقول و خواست ناموزون خود را میدانند ولی طرح آن بمناسبت دستاوردهائی از قبیل به تاخیر انداختن و یا جلوگیری از حل و فصل مسائل هسته ای موضوع قطعنامه های شورای امنیت است.

هنوز دویاسه روزی از قطعنامه سنای آمریکا نگذشته بود که نامه رئیس شورا نشان داد که همان شیطنت خاص سنای آمریکا در نامه شورای اعلیحضرت هم بصورت موهن دیگری تکرار شده است و آن درخواست از روسای جمهوری کشورهاست که موضوع آزادی موسسات نظرسنجی جهانی را مشروط به حل و فصل مذاکرات هسته ای در رابطه با قطعنامه های شورای امنیت ساخته است.

آیا خواننده محترم این تحریر تا کنون در درخواست های بیشمار و متنوع تمام واحد های مبارزاتی دنیا علیه حکام زور و جبر دیده اید که خواست یکی از آنها اجازه به موسسات نظرسنجی باشد؟

نظرسنجی با همه پرسشی تفاوت دارد. نظرسنجی یک سیستم است که هر موسسه نظرسنجی یک روش خاصی برای نظرسنجی خود دارد و هیچ نیازی به حضور در کشور مورد نظرسنجی نیست و هیچ آثار حقوقی هم متوجه آن نمیشود. در طول ۸۰ سال عمر موسسه گالوپ حتی یکبار موسسه گالوپ و یا کشورها در مورد نحوه نظرسنجی شکایت و یا مزاحمتی نداشته اند.

نباید تصور کرد که در شورای تجزیه طلبان کسی نیست که درک آن مهم را نداشته باشد؛ خیر، حتما هست؛ شورائی که با آن تبحر و برنامه ریزی و جمع آوری امضا و کلاه گذاشتن سر مردم قطعنامه تجزیه کشور را به امضا رسانید و سه سال هم هست که در مقابل انتقادات و حتی انصراف امضا کنندگان مقاومت میکند، نمیتوان گفت که نمیدانسته و نفهم بوده از چنین درخواست بی نمک و مضحک آنهم از سران کشورها و نه گروه ۵+۱ که ماموریت اجرای قطعنامه های شورای امنیت را دارند.

دقیقا میدانسته و میدانند خاصه که این درخواست مهمل راهم به روسای جمهوری کشورها ارسال داشته اند، تا به آنها گفته باشند که اپوزیسیون جمهوری اسلامی و رئیس و وزن سیاسی آنها در این حد است که اولاً درخواستشان فاقد مبانی و ارتباط به مسائل هسته ای حتی حقوق بشری است و ثانیاً بجای دفتر ۵+۱ در سونیس نامه راهی دفتر ریاست جمهوری کشورهای ۵+۱ شده است، و اینها در کنار سوابق قبل از جمله تعقیب کیفری سید علی و فوکس آنلاین آلمان و فراندنم دات کام پوسته های لغزنده ای است که برای بر باد دادن تنمه شخصیت و شرافت سیاسی اعلیحضرت تدارک شده است.

*** فرض بفرمائید که روسای جمهوری کشورهای بزرگ دخالت کردند و دخالت آنها سبب شد که نظرسنجی واقعی تهیه و بدون سانسور منتشر شود (خواست رئیس شورای تجزیه طلبان)، خوب شورا و رئیس آن چه استفاده ای از آن خواهند برد؟ مگر هلمز و دکتر خزعلی و رفسنجانی و حتی خود اعلیحضرت به مخالفت همگانی مردم ایران با جمهوری اسلامی نظر ندادند، که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران با جمهوری اسلامی مخالفت. رئیس شورا و شورایش اهل استفاده از مخالفت عمومی مردم با جمهوری اسلامی نیستند، بدست آمریکاییها نگاه میکند و همانطور در مسیر آنها با اصطلاح مبارزه سیاسی میکند.**

مضحکه دیگر

درخواست مضحک دیگر رئیس شورای تجزیه طلبان از روسای ۶ کشور بزرگ این است که توافق ها میبایست در دسترس مردم ایران قرار گیرد.

خوب این خواست چه ارتباطی به روسای جمهوری کشورها دارد آنها بر مردم ایران چه حکومت و امریتی دارند که توافقها را در دسترس مردم ایران قرار دهند؟

هیئت ۱+۵ حتی جریان مذاکرات رابه اطلاع کنگره ونمایندگان ملت های خودشان هم نمیرسانند که کنگره آمریکا ناچار به واکنش شده است؛ آیا مضحک وخنده دار نیست که رئیس شورای ملی! دست به دامان همان روسای کشورها شده که امر مذاکرات را از مردم کشور خودشان هم دریغ دارند؟

تقاضا باید از کسی بشود که صلاحیت انجام آنرا داشته باشد رئیس جمهور کشوری مثلا چین ویا آمریکا صلاحیتشان در آگاهی دادن به مردم کشور خودشان است نه کشورهای دیگر؛ آنها به چنین درخواست هایی نه تنها اعتنا نمیکنند بلکه آنرا دامی برای کشورشان تلقی خواهند کرد.

این چنین توقعات نامعقول برای کسی که از آمریکا تقاضای گواهی میهن پرستی دارد واز آمریکا میخواهد که ایران را نجات بدهد چندان زنده نیست ولی برای مردم دانا هزار مسئله است.

البته که این تحریر ادامه خواهد داشت.



متن پارسی و انگلیسی نامه در زیر آمده است؛ توجه خواهند داشت نامه در ۳۰ آوریل در سایت اعلیحضرت گنجانده شده و تا روز ۱۷ ماه مه (پس از ۱۸ روز تنها ۲۹۱۱ تن از آن بازدید کرده اند:

نامه سرگشاده به سران کشورهای ۱+۵ تنها گزینه برای دستیابی به راهکار برد- برد: همکاری و گفت و شنود شفاف با مردم ایران در روند مذاکرات هسته ای

Thursday, April 30th, 2015 شورای ملی ایران

Viewed 2911 times

پیامد بیش از یک دهه مذاکره های ناتمام با دولت های جمهوری اسلامی، هزینه غیرقابل بخشودنی برای ملت ایران داشته است. در این میان، برنامه های تهدیدآمیز هسته ای رژیم، عواقب جبران ناپذیری برای امنیت جهانی به همراه دارد.

جمهوری اسلامی برای صدور اسلام سیاسی خود، با برگزیدن سیاست های خارجی تنش زا، سبب کشمکش های ایدئولوژیکی منطقه ای شده است. پشتیبانی های مالی و نظامی رژیم از گروه های

تروریستی، درگیری های شیعه و سنی در منطقه را به اوج خود رسانده است. چنین جنگ های مذهبی و فرقه ای، به ایجاد و گسترش گروه های شبه نظامی چون داعش در منطقه و جهان دامن زده است.

چنانچه جمهوری اسلامی در جهت منافع ملی ایران، سیاست های صلح جویانه را پیشه کرده بود، بدون شک شاهد وقوع چنین تنش هایی نمی بودیم. ایران کشوری است که افزون بر منابع کلان نفت و گاز، امکان بهره رزی از منابع پاک خورشیدی و باد را دارا می باشد. با این وجود، رژیم به جای استفاده از این منابع طبیعی و تجدیدپذیر، با پافشاری بر برنامه مخفیانه هسته ای برخلاف پیمان بین المللی منع گسترش سلاح های هسته ای، سبب برقراری تحریم های بین المللی علیه ایران شد، تحریم های سنگینی که اقتصاد کشورمان را به آستانه ورشکستگی و نابودی رسانیده است.

رژیم جمهوری اسلامی، برای سرپوشاندن مدیریت ناکارآمد خود در سیاست خارجی و اقتصادی، با سو استفاده از ابهامات موجود در مذاکرات اخیر، همه تلاش خود را برای ارائه اطلاعات اشتباه و انحراف اذهان عمومی بکار بسته است، و به مدد کنترل انحصاری رسانه ها، خبرها را از مسیر واقعی خود تحریف می کند، و تلاش می کند که با دگرگونی اخبار، نتیجه نشست لوزان را یک پیروزی دیپلماتیک برای خود قلمداد کند، و یکجانبه مدعی شده که کل تحریم ها بدون هیچ پیش شرطی، در زمانی بسیار نزدیک برداشته خواهد شد.

جامعه جهانی می بایست صدای مردم ایران را بشنود. هنگامی که هموطنانم تنها به امید کامیابی اقتصادی، رفاه و صلح و دوستی با دیگر ملت های جهان در قلب خیابان ها ابراز شادی کردند، از شعارهایی مانند «توافق بعدی ما، حقوق شهروندی ماست»، «پیام ما روشنه، مرزها باید برداشته شه» سردادند. این شعارها نشان دهنده آن بود که خواست مردم فراتر از توافق لوزان، بلکه آزادی آنها می باشد.

هموطنانم به شیوه های گوناگون، خواست و حق راستین خود را بیان کرده اند:

- مردم ایران، خواستار فرو ریختن تمام دیوارهای ستمگری هستند. ایرانیان خواستار زندگی در صلح، کامیابی، امنیت و مخالف با جنگ هستند. آنها می خواهند که ایران به دهکده جهانی بازگردد.

- زنان ایران که نیمه فراموش شده جمعیت کشورم هستند، تمایلی به افزایش تعداد سانترفیوژها ندارند. آنها شایسته زندگی در جامعه ای هستند که برارزش های اخلاق، احترام و برابری، بنا شده است.

- جوانان ایران، آرزوی داشتن بمب اتم را ندارند، رویای آنها آزادی، حق آموزش، امنیت کاری و حق برخورداری از شادی، احترام و کرامت انسانی است.

- مردم ایران بخاطر نابودی منابع طبیعی و آسیب های جبران ناپذیر زیست بوم کشورمان و تهدیدهای اکوسیستمی که سرانجام مدیریت ناکارآمد حکومت جمهوری اسلامی است، عمیقاً نگران هستند.

- بازاریان، تاجران و بازرگانان ایران، به دنبال برقراری امنیت اقتصادی در چارچوب حکومت قانون و بازار آزاد، برای تولید سرمایه و ایجاد فرصت های شغلی هستند. کارآفرینان اقتصادی در توسعه انرژی هسته ای که به تولید سلاح های اتمی می انجامد و امنیت و صلح جهانی را به مخاطره می اندازد، انگیزه و منفعتی ندارند.

- افزون براین، مردم ایران خواستار دست یابی به ارزش های جهانشمول همچون حقوق بشر، سکولاریسم، دموکراسی، آزادی، و برابری حقوق شهروندی هستند.

بر همین اساس، شورای ملی ایران به گروه ۱+۵ پیشنهاد می کند، تا نکته های زیر را در روند مذاکرات در نظر بگیرند:

۱. شفافیت کامل در مذاکرات اتمی هسته ای:

درونمایه تمامی این مذاکرات و توافق ها، می بایست در دسترس مردم ایران قرار گیرد. از آن گذشته رژیم می بایست اجازه دهد که موسسه های نظرسنجی جهانی و رسانه های بین المللی، بدون هیچ قید و شرطی، به مردم ایران دسترسی داشته باشند تا بتوانند به نظرسنجی واقعی و تهیه گزارش بدون سانسور بپردازند.

۲. برداشته شدن تحریم ها می بایست به شرط پیشروی در احترام به حقوق بشر در ایران باشد:

موضوع حقوق بشر می بایست بخش جدانشدنی در روند مذاکرات باشد. برداشته شدن قرارداد تحریم ها که به صورت مستقیم به مسئولین رژیم سود می رساند، می بایست مشروط به آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، احترام و اجرای حقوق زنان، تضمین فعالیت اتحادیه های کارگری، سازمان های غیر دولتی، حق گردهمایی و آزادی رسانه ها و آزادی بیان بشود.

۳. برداشته شدن تحریم ها و بازگرداندن پول به حکومت می بایست زیر نظارت کامل سازمان ملل و نهادهای مربوطه انجام شود.

تا بار دیگر این سرمایه های ملی به گروه های تروریستی در خارج از مرزهای ایران ارسال نشود. بنابراین جمهوری اسلامی، نیمی از ۹ میلیارد دلار آزاد شده برای پشتیبانی از حکومت بشاراسد به سوریه ارسال شده است.

۴. در نهایت، از نهادها و گروه های سکولار در منطقه می بایست پشتیبانی شود.

شورای ملی ایران به همه کشورهای دموکراتیک پیشنهاد می کند تا گفتمان خود را محدود به رژیم مذهبی و نمایندگانشان در برون مرزهای ایران نکنند. آنها می بایست با نیروها و گروه های گیتی گرا و دموکراتیک که به جامعه مدنی ایرانی بسیار نزدیک تر هستند، نیز گفتگو داشته باشند. و همچنین، با توجه به تنش های رو به فزون در منطقه، اهمیت دارد که از نیروهای مستقل و همفکر در جهان عرب، پشتیبانی کنند.

به آنهایی که تصور می کنند در مبارزه با نیروهای رادیکال سنی، همچون داعش، می توان با رژیم جمهوری اسلامی متحد شد، یادآور می شود که گروه های رادیکال سنی و شیعه، اهداف مشترکی را دنبال می کنند و به دنبال توسعه «اسلام سیاسی» در سراسر جهان هستند.

نکته بنیادین این است: یا رژیم مذهبی به سیاست ایجاد بی ثباتی و پشتیبانی از گروه های تندرو ادامه می دهد و یا مردم ایران موفق می شوند، حاکمیت بر کشور و حق تعیین سرنوشت خود را به دست آورند. سناریوی «برد - برد»، در صورتی ممکن خواهد شد که در روند مذاکرات هسته ای، «منافع به حق ملت ایران» و نه «منافع جمهوری اسلامی» به عنوان یک فاکتور بنیادین، قلمداد شود.

رضا پهلوی

ریاست شورای ملی ایران برای برگزاری انتخابات آزاد

The path to a Win-Win Solution: Engaging the People of Iran in the Nuclear Negotiations

Thursday, April 30th, 2015 by Iran National Council



April 19, 2015

AN OPEN LETTER TO THE LEADERS OF P5+1

The path to a Win-Win Solution:

Engaging the People of Iran in the Nuclear Negotiations

The yet to be determined outcome of the decade-long negotiations with Iran's theocratic regime has been at the unforgivable expense of the Iranian people. Meanwhile, the regime's nuclear program has had a lasting impact with on-going threats to international security. Through the continuation of aggressive policies aimed at spreading its brand of political Islam, the theocratic regime seeks ideological conflicts. The regime continues to provide financial and military support to terrorist movements, as well as escalating the conflict between Shias and Sunnis. These religious sectarian conflicts have led to the rise of militant Islamist groups, such as ISIS, in the region and the world.

The ensuing international tensions could have been avoided had the regime chosen a different path. Iran is rich in natural resources with vast oil and gas reserves, and untapped potential to harvest solar and wind power. However, instead of opting for the sustainable use of natural resources and the generation of clean energy, the regime, with its persistence on the clandestine development of a nuclear arsenal – in total

violation of the non-proliferation treaty – has paved the way for international economic sanctions against Iran, and has brought our country's economy to the brink of bankruptcy.

In order to mask its own mismanagement of international relations and the economy, this regime has taken advantage of some vagueness of the objectives of the recent negotiations by misleading the people of Iran. The state controlled media in Iran is using its monopoly on internal information to spread disinformation. The distortion is meant to present the results of the Lausanne meeting as a diplomatic victory by suggesting an unconditional lifting of economic sanctions as its immediate result.

Even in the midst of street celebrations, my compatriots wish nothing less than the pursuit of economic prosperity, peace, and friendship with other nations. The demonstrators began chanting additional slogans such as "*The Next Agreement Will Be on Our Civil Rights*" and "*Our Message Is Clear: The Limitations Shall Be Removed*". These slogans demonstrate that, way beyond any deals with the international community, people expect this path to lead to their own freedom.

In many different ways, my compatriots have articulated their inalienable rights:

- **The people of Iran** aspire to tear down the walls of tyranny. All Iranians wish to live in peace, prosperity and security, and reject war. They want Iran to join the global community of responsible nations.
- **Iranian women**, who constitute the forgotten half in my country, do not want more centrifuges. They are worthy of life in a society that is founded upon ethics, respect and equal rights.
- **The youth of Iran** do not dream of nuclear proliferation; they dream of freedom, the right to education, job security, the right to choose their attire, happiness, respect and human dignity.
- **Iranians** are also deeply concerned about the mismanagement of our natural resources and the threats posed to different ecosystems.
- **The business community** seeks economic security under free market conditions that will generate wealth, prosperity and employment opportunities. The business entrepreneurs do not find the development of nuclear energy, which will lead to the proliferation of nuclear arsenals and threaten global peace and security, desirable.
- Furthermore, **the Iranian people** demand the legal foundation of our country and our constitution to be based on universal values, such as human rights, secularism, democracy, freedom and equal rights for all citizens.

Hence, the Iran National Council proposes the following points to be observed:

1. Transparency in the 5+1 nuclear talks:

The content of all discussions and agreements must be made fully available to the Iranian people. Furthermore, the regime must allow opinion polling agencies as well as the international press full and unconditional access to Iranians.

2. Human Rights to be tied to the gradual removal of economic sanctions:

The subject of human rights must be an integral part of the negotiation process, and be a condition in the removal of economic sanctions. Iranians, like any other people in the world, have inalienable rights to life, liberty and freedom.

The lifting of economic sanctions, which directly impacts or benefits the theocratic leadership, must be subject to:

- The unconditional release of all political prisoners.
- Respect for Human Rights of women.
- Guaranteed rights of organized labour, unions and NGOs and the right of assembly.
- Freedom of media and freedom of expression.

3. Third party monitoring:

The economic sanctions shall be removed under an committee under the supervision of the U.N to monitor any future released funds in order to prevent any financial support of terrorist organizations or repressive regimes. The theocratic regime in Iran has admitted that more than half of nine billion dollars in the most recently released funds have been diverted to Syria in support of the Assad regime.

4. Support for secular forces in the region:

The Iran National Council recommends all democratic nations to consider the further engagement of Iran's secular democratic forces from different sectors of society, and not limit their engagement with only the theocratic regime's representatives.

In light of the escalation of tensions, it is imperative to also support like-minded moderates in the Arab world in order to combat radical Sunni forces. For those who believe that Iran's regime could be a partner in the fight against radical groups such as ISIS, they should not forget that both militant Shias and Sunnis have a common goal of spreading political militant Islam in the world.

In closing, the Iran National Council's ultimate goal is to achieve the appropriate political environment in Iran conducive to free elections. We believe that the people of Iran, should the outcome of the current nuclear negotiations be fruitful and acceptable, would regard it as the first step towards a brighter future. Engaging the people of Iran would further empower our civil society and various NGOs, and facilitate the desired outcome.

There is much at stake. Either the theocratic regime will endure, and continue to further world instability and regional extremism, or the people of Iran will prevail and regain control over their destiny, while simultaneously resolving all regional and international concerns over our country. **The win-win scenario relies on making the people of Iran the ultimate factor and beneficiary, not the regime.**

Yours Sincerely,

Reza Pahlavi

The President of the Iran National Council